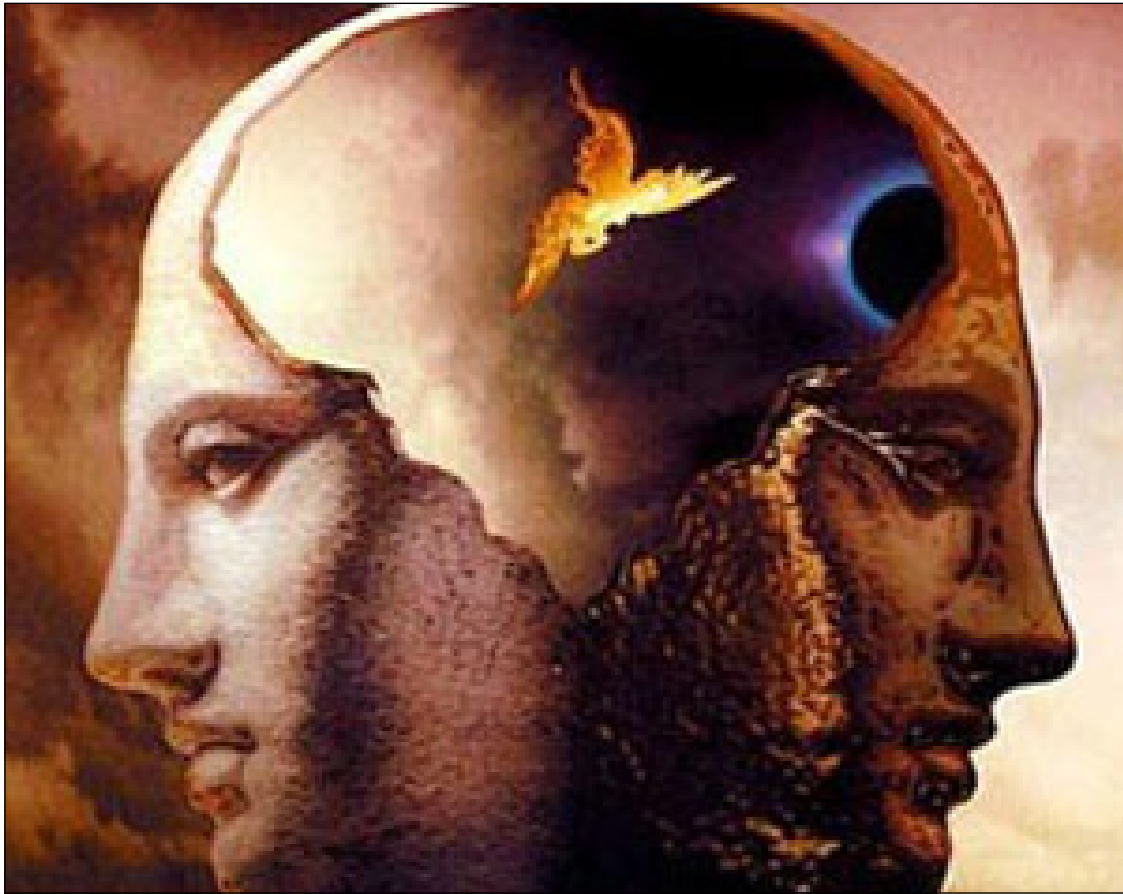


عقلانیت شرقی و غربی

احسانی



نظامی که به آن تعلق دارد، تجزیه و تحلیل نمود و صرف اشتراک لفظی نباید ما را به گمراهی بیاندازد. مفهوم عقلانیت، فقط در چارچوب یک پارادایم فکری معین قابل درک و فهم است که عبارت است از تجدد و مدرنیته. ممکن است گفته شود که تجربه مدرنیته در کشورهای اسلامی، نمی تواند تکرار صرف تجربه تاریخی غرب باشد و الگوهای تک خطی نوسازی ممکن است چندانی بر خوردار نباشند، اما باید پذیرفت که الگوهای نوسازی و توسعه، دارای شاخص های ثابت جهانی است و نمی شود به بهانه ای تفاوت های فرهنگی و برقراری تقابل بین اندیشه مدرن و تفکر دینی، به مخدوش کردن و حتی وارونه جلوه دادن بنیاد های مفهومی آن پرداخته و آن را از بنیاد و اساس نفی کرد.

در جامعه ما و حتی در بین روشنفکران ما اغلب تصور بر این است که اندیشه مدرن، اساسا یک شکیوه تفکر ضد دینی و یا با کمی تساهل غیر دینی است که در آن گویا انسان به جای خدا نشسته است و این یک برداشت ناصواب و نادرست است. به قول هربرت مارکوزه: «ایده خرد به ضرورت ضد دین نیست. خرد این امکان را روا می دارد که جهان می تواند آفریده خداوند باشد و سامان آن هم می تواند خدایی و غایت مند باشد اما این امر نباید انسان را از حق صورت بندی جهان بر طبق نیازها و دانش اش محروم سازد. معنای جهان به گونه عقلی، نخست مستلزم آن است که جهان را می توان با کنش دانشی انسان دریافت و دگرگون کرد.»

در نهایت اینکه، خرد یا عقلانیت به عنوان بنیاد اصلی مدرنیته تعریف می شود و عقل گرایی جوهره مدرنیته و گفته می شود که به میزانی که عقلانیت در جنبه های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تبلور یابد، این جنبه ها به صورت مدرن توجیه می شوند. از این رو، تعمق و تأمل در باب عقل گرایی و مدرنیته، مدخلی مناسب به مسائلی رویارویی روشنفکران مسلمان با پدیده مدرنیته و عنصر خرد محسوب می شود.

اندیشه خود قرار داد و تمدن جدید را آفرید. در حالی که در شرق اسلامی خلاف این روند به وجود آمد. لذا در شرق، نوزایش و تجدد به شکست می انجامد که علت آن را می توان هیوط فلسفه و اندیشه عقلی در تصوف و از سوی دیگر سطره تفسیر ظاهرگرایانه از شریعت به فلاسفه با نفی و طرد عقل مدرن، عقل مویسد شرع را برسته نمودند و تمام همت خود را در این راستا قرار دادند تا چگونه عقل را در خدمت گزاره های دینی قرار داده و آموزه های دینی را توجیه عقلانی نمایند. در کشورهای غربی، عقل گرایی به طرف استقلال از مبانی وحیانی حرکت کرد و عقلانیت ابزاری را در کانون

کردند. طوری که جمع تالیفی عقل، وحی و شهود در کانون فلسفه اسلامی قرار می گیرد و در نهایت این عقل گرایی است که به سمت تصوف و ... بیشتر خیز می یابد. از آن زمان است که چراغ عقل گرایی به نفع تفسیر ظاهرگرایانه از شریعت افول می کند. در جهان اسلام فقها، متکلمان و فلاسفه با نفی و طرد عقل مدرن، عقل مویسد شرع را برسته نمودند و تمام همت خود را در این راستا قرار دادند تا چگونه عقل را در خدمت گزاره های دینی قرار داده و آموزه های دینی را توجیه عقلانی نمایند. در کشورهای غربی، عقل گرایی به طرف استقلال از مبانی وحیانی حرکت کرد و عقلانیت ابزاری را در کانون

واقعیات قرار داد. جهانی که هم کارگزار و هم کارپذیر آن به صورت مستقیم یا غیر مستقیم «انسان اجتماعی» است. تمدن مدرن مقوله عقل بنیاد و عقل گراست و محصول فکری دانشمندی است که رو به سوی عقلانیت نهاده و از «پارادایم خرد گرایانه» استقبال کرده اند. اما در شرق اسلامی این تحول در ماهیت عقل رخ نداد و «در سده های متاخر اسلامی تعادل عقل و شرع، به طور برگشت ناپذیری بر هم خورده بود و تجدید آن با امکانات نظری موجود ممکن نبود.»

زیرا که فیلسوفان و متکلمان اسلامی تلاش می کردند تا از خلوص عقلانیت کاسته و در پی تألیف عقل با وحی و شهود حرکت می

ادبیات عقل گرایی، تاریخ نسبتا طولانی و وسیع دارد و اگر این تاریخ را از یونان باستان شروع کنیم، بعد از آن، عقل در دستگاه فکری و نظام اندیشگی شرق اسلامی (فلسفه مسلمانان) قرون وسطی (فلسفه اسکولاستیک) و عصر جدید (مدرنیته) که به اعتقاد بسیاری کانون آن با ماده عقل گرایی بنیاد شده، بخش عظیمی از نظام های فکری را به خود اختصاص داده است.

جوامع گوناگون، بدون توجه به ویژگی های خاص خود، پساره ای از اصول خردمندی را بسط و توسعه داده و فرهنگ های گوناگون هر کدام پاسخ ویژه ای خود را به نحوه «بسط عقلانیت» ارائه می دهند. بنا براین، فرهنگ و تمدن ملت ها آکنده و سرشار از خرد گرایی و خرد باوری است و هر کدام بخشی از فضای معنایی عقلانیت را رشد و توسعه داده اند. چنانچه در تمدن شرق اسلامی، عقل نظری که دارای سرچشمه های دینی است در قالب های گوناگون فلسفی و کلامی به رشد و فربهی بیش از اندازه رسید. اما در فرهنگ و تمدن غرب عقلانیت رسمی و ابزاری که دارای مبانی عرفی و عملی است نمایان شد و توانست در نهادها و ساختارهای جامعه نفوذ کرده و خود را باز تولید کند. این اختلاف در مبانی، شکاف عظیمی بین عقلانیت غربی و عقل گرایی اسلامی در سطوح نظری و عملی پدید آورد.

یکی از عمده ترین تحولاتی که در تاریخ عقل گرایی غرب رخ داده و از اهمیت جدی برخوردار است، «تحول در ماهیت عقل» یا تحول درونی منطق عقل گرایی است، به این معنی که تمدن جدید ثمره تحولی است که در ماهیت عقل رخ داد؛ تحولی که در عصر جدید در ماهیت «خرد» رخ داد به تغییر «قلمروهای عقل» انجامید. قلمروهای جدیدی که موجب تعامل زندگی خاکی و عقل بشیر شد. در این دوره و در نظم فلسفی جدید عقل «زمینی» شد و تلاش کرد تا امور اجتماعی و تاریخی را در یک بستر معقول درک کند و حوسه کار خود را تعینات و جهان

سرمقاله

نگاه ها به سیاست آمریکا در افغانستان

حفیظ الله زکی

با وجودی که جنگ های رویاروی در کشور رو به کاهش نهاده است؛ اما حملات انتحاری در کابل و شهرهای دیگر امنیت را از مردم ما گرفته است. علاوه بر آن انتظار می رود که با پایان فصل سرما بار دگر حملات بهاری طالبان و سایر گروه های هراس افکن آغاز گردد و جنگ ها و نا امنی ها همچنان زندگی را بر سر مردم ما تلخ و تحمل ناپذیر گرداند. بیش از یک و نیم دهه است که مردم افغانستان به امید تأمین امنیت در کشور به سر می برند و شهروندان افغانستان هرگز تصور نمی کردند که جنگ در این کشور تا سال های دیگر ادامه یابد و آنها پس از یک و نیم دهه باز هم شاهد جنگ، کشتار و مهاجرت های داخلی و خارجی باشند. اگرچه جامعه جهانی و بخصوص پیمان ناتو در آغاز توانستند دو گروه عمده و حاکم در کشور یعنی طالبان و القاعده را از کشور بیرون کنند و پناهگاه های شان را از بین ببرند، ولی در سال های بعد نسبت به حضور و فعالیت این گروه ها در منطقه و به ویژه در دو طرف خط پیوند، با بی تفاوتی برخورد کردند.

در همان زمان برخی رسانه ها هشدار می دادند که ممکن است گروه طالبان و القاعده بار دگر در مناطق کوهستانی نزدیک مرز پناه بگیرند و از آنجا نفوذ و قلمرو خود را در ولسوالی های دور دست تر گسترش دهند؛ اما مقامات سیاسی و نظامی ناتو همواره این هشدار ها را کم اهمیت جلوه می دادند و برگشت طالبان را در خاک افغانستان ناممکن می پنداشتند. از سیال های ۲۰۰۵ به بعد این نگرانی ها به واقعیت تلخ میدل شد و طالبان حضور شان را در تعدادی از مناطق و ولسوالی های شرقی و جنوبی کشور تثبیت کردند و توان نیروهای بین المللی را به چالش گرفتند و دشواری های زیادی را برای این نیروها به وجود آوردند.

افزایش بیکاره سی هزار نیروی نظامی ایالات متحده آمریکا، که اواما رییس جمهور قبلی آن کشور از آن به دشوارترین تصمیم دوران ریاست جمهوری یاد کرد، ناشی از همین بی بست ها و دشواری هایی بود که جامعه بین المللی در افغانستان به آنها مواجه شده بودند. افزایش نیرو گرچند بسیاری از مشکلات را از پیش روی جامعه جهانی برداشت و روزه های جدیدی را برای بیرون رفت از بن بست موجود گشود؛ ولی نا هماهنگی سیاست ها در چگونگی مقابله با هراس افگنی و بخصوص گروه طالبان، سبب گردید که افزایش نیرو نیز موفقیت های چشمگیری را در پی نداشته باشد.

بالاخره کشورهای کمک کننده به افغانستان از طولانی شدن جنگ در افغانستان احساس خستگی کردند و طی یک برنامه شتاب آلود، روند خروج نیروهایشان را از این کشور آغاز نمودند. خروج نیروهای بین المللی از افغانستان تبعات زیر را برای این کشور در پی آورد:

۱. افزایش جنگ و نا امنی. گروه های هراس افکن و کشورهای حامی این گروه ها با اعلام برنامه خروج نیروهای خارجی از افغانستان، امیدوار شدند که با تشدید جنگ و افزایش حملات انتحاری و انفجاری می توانند حکومت ضعیف و آلوده به فساد را به چالش بکشاند و اعتماد مردم به توانایی حکومت را از بین ببرند.

۲. خروج نیروهای خارجی سبب تعطیلی دهها مؤسسه خارجی در این کشور گردید و این امر از یک طرف هزاران نفر را به جمع بیکاران اضافه کرد و از سوی دیگر پروژه های بازسازی را با سنگینی و توقف همراه نمود.

۳. این تصمیم جامعه جهانی، تأثیر فوری و مستقیم بر اقتصاد و معیشت مردم بجا گذاشت. این امر باعث کساد بازار و بی ثباتی کار و بار روزانه شهروندان گردید.

۴. خروج نیروها احساس ناامنی را در جامعه افزایش داد و موجب فرار سرمایه از کشور گردید.

دولت کار آمدن حکومت جدید در آمریکا، مردم امیدوارند که مقامات جدید آن کشور با اتخاذ سیاست های همه جانبه تر و کارآمدتر، به تأمین امنیت این کشور کمک کنند و اقتصاد این کشور را از رکود نجات دهند. مأموریت جامعه جهانی در افغانستان تنها با تأمین سه چیز به سر انجام می رسد: امنیت، بازسازی و حکومتداری.

یک مهاجر: از جنگ فرار کردیم دوباره در میان جنگ برگشتیم

نویسنده: آنچوپورا / برگردان: حسن کریمی / منبع: خبرگزاری فرانسه

به افغانستان کرده است. باوجود دهه ها جنگ و بحران رقابتی در سوریه، حمایت کنند (دوئرها) از فرستادن کمک ها خسته شده اند.

سازمان ملل هم چنان اعلام کرده بود که ۹.۳ میلیون افغان که یک سوم نفوس کل کشور را تشکیل می دهند، به کمک های حقوق بشری در سال ۲۰۱۷ نیازمند است که نسبت به سال گذشته ۱۳ درصد افزایش را نشان می دهد.

حکومت افغانستان، شدیداً به کمک های خارجی وابسته است و همان طور که برای مهاجرین افغان وعده داده بودند که همراه آنها کمک مالی می شود، اما آنچنان کمک نشده و آنها با مشکلات رو به رو اند.



لورنس هارد، رییس سازمان بین المللی مهاجرین در افغانستان به خبرگزاری فرانسه گفت: «اسنادی نشان می دهد که تعدادی از مهاجرین که برگشته اند به ولایت های نامن مثل لغمان، کنر و کندز رفته اند و آنها به مکان های امن و کمک های بیشتر نیازمند اند.»

بر اساس گزارش سیگار (اداره بازرسی آمریکا برای بازسازی افغانستان) مکان های امن به دلیل تصرف شورشیان از حکومت، رو به کاهش است و بیشتر از نصف ولسوالی ها تحت کنترل و یا نفوذ دولت قرار دارد.

آندرس اسچوبیرگ، سفیر سویدن در افغانستان می گوید: «کمک های بشردوستانه در کوتاه مدت یک راه حل نیست اما کمک های سریع می تواند بهتر باشد.»

عبدالقادر ۲۸ سال دارد. او یکی از کسانی است که بعد از ۲۷ سال به وطن برگشته و از آینده اش نگران است. او در یک خانه گلی در بیابانی در نزدیکی شهر جلال آباد که صدها خانواده مهاجر نیند حضور دارند، زندگی می کند. باشندگان محل با آنها در حال نزاع هستند و نگران اند که زمین های شان را تصرف کنند.

عبدالقادر می افزاید: «فرزندان ما به خاطر آب های کثیف مریض شده اند. اینجا به مکتب است، نه شفاخانه، نه مسجد و نه هم خانه.»

او سرش را تکان می دهد و می گوید: «ما از جنگ فرار کردیم و به پاکستان رفتیم، اما دوباره در میان جنگ برگشتیم.»

صفوف داعش به همسری می گیرند. گل پیری همچنان علاوه می کند: «بهتر است آدم در تهی دستی و بیچارگی زندگی کند تا این که قربانی داعش شود.»

مقامات رسمی می گویند: «حملات هوایی نیروهای آمریکایی علیه داعش باعث شده است که آنها دست به عقب نشینی بزنند.» اما سازمان ملل متحد اسنادی را در دست دارد که نشان می

دهد که حملات توسط این گروه بالای افراد ملکی افزایش یافته و آنها مجبور می شوند که از مناطق شان فرار کنند. براساس گزارش سازمان ملل متحد همان طوری که خشونت و ناامنی در سال های گذشته در سرتاسر افغانستان صورت گرفته است؛ روزانه تقریباً ۱۷۰۰ نفر خانه و مناطق اصلی شان را بخاطر جنگ و نا امنی ترک می کنند. در این گزارش هم چنان افزوده شده است که در سال گذشته میلادی به دلیل ناامنی در افغانستان نزدیک به ۶۰۰ هزار نفر بیجا شده اند.

صدها هزار مهاجر به طور جداگانه از ایران به خصوص از پاکستان به کشورشان برگشته اند که بیشتر آنها را مهاجرینی که مدرک نداشتند تشکیل

خانواده گل پیری در میان هزاران خانواده ای که به اثر جنگ های روان بیجا شده اند و صدها خانواده افغان دیگر که به کشورشان بازگشته اند؛ در یک مکان دورافتاده و زیر یک خیمه ی سرد در این فصل زمستان، زندگی می کنند. این بیجاشدگان و کسانی که به وطن برگشته اند به دلیل جنگ و ناامنی یک بحران جدید انسانی را در افغانستان به وجود آورده است.

جنگ در افغانستان باعث شده است که تعدادی از پناهجویان افغان در کشورهای دیگر جذب شوند و اما تعدادی زیادی

خانواده گل پیری در میان هزاران خانواده ای که به اثر جنگ های روان بیجا شده اند و صدها خانواده افغان دیگر که به کشورشان بازگشته اند؛ در یک مکان دورافتاده و زیر یک خیمه ی سرد در این فصل زمستان، زندگی می کنند. این بیجاشدگان و کسانی که به وطن برگشته اند به دلیل جنگ و ناامنی یک بحران جدید انسانی را در افغانستان به وجود آورده است.

دیگر از کشورهای پاکستان، ایران و اروپا دوباره به افغانستان برگردانده شوند. در کنار این ها بیش از نیم میلیون افغان دیگر به دلیل جنگ از خانه ها و مناطق اصلی شان بیجا شده اند.

گل پیری همراه دو فرزند کوچکش خواهران یک سرپناه است. مثل او خانواده های زیادی از پاکستان به شهر جلال آباد آمده اند و آنها نیاز به کمک های اولیه دارند.

مادری که چهار فرزند دارد می گوید: «ما دعا می کنیم که در این زمستان سرد خیمه ما چیه نشود. چون فرزندان ام در زیر خیمه و در کنار یکدیگر بمانند خود را گرم کنند و از سرما یخ نزنند.»

خانواده ای گل پری به خاطر گروه موسوم به داعش از ولسوالی پچیراگام ولایت ننگرهار فرار کردند. در این ولسوالی داعش بسی رحمی های زیادی را مثل سربریدن، خانه ها را آتش زدن و حملات هولناک انجام می دهند.

گل پری هراسان می افزاید که آنها (داعش) در بعضی مناطق خانواده ها را مجبور می کنند که کسانی که دختر و بیوه در خانه های شان دارند، بیرق سفید بالای خانه ی شان نصب کنند و آنها را برای سربازان تازه استخدام شده در



بنیان گذار: دکتر حسین یاسا

مدیر مسول: محمد رضا هویدا

سردبیر: حفیظ الله زکی

کاریکاتوربست: خالق علی زاده

دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری

مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۳۷

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

www.dailyafghanistan.com

Email: thedailyafghanistan@yahoo.com